



علی حیدری کارشناس تأمین اجتماعی

طلیعه بیمه‌های اجتماعی در کشور در حوزه مزیدبگیران (صرفنظر از نیروهای کشوری و لشکری) به زمان ورود صنعت نفت و راهسازی کشور برمی‌گردد و در سال ۱۳۰۹ با شکل‌گیری صندوق احتیاط (بیمه) کارگران طرق و شوارع پایه‌گذاری شد این امر از طریق مداخله شرکت سهامی بیمه ایران، شکل‌گیری صندوق‌های احتیاط زیر نظر شورای توافق کار گاه‌ها و ایجاد بنگاه رفاه اجتماعی از طریق تجمع این صندوق‌ها عملیاتی شد و بعدها منجر به ایجاد صندوق بیمه‌های اجتماعی کارگران (۱۳۲۸) و سپس سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۵۴) در ساحت فعلی خود شد.متأسفانه به‌علت عدم مستندسازی تاریخ شفاهی تأمین اجتماعی در ایران، نمی‌توان سیر تطور آن را در قبل از سال ۱۳۵۷ به‌طور دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و این درحالی است که بسیاری از پایه‌گذاران و فعالان تأمین اجتماعی در آن دوران روی در نقاب خاک کشیده‌اند یا مورد کم‌لفظی و بی‌توجهی واقع شده و می‌شوند.

اما اما پس از سال ۱۳۵۷ اگرچه با تصویب اساسنامه این سازمان در شورای انقلاب، ساختار آن از ثبات نسبی برخوردار شد و شاکله این اساسنامه تا سال ۱۳۸۷ حفظ شد، اما در آن مقطع یکی از چالش‌های جدی سازمان، طرح موضوع «حرمت بیمه» بود که به تحریک عدای از کارفرمایان مطرح شد،(برغم اینکه در همان مقطع فتاوا و نظریاتی مبنی بر اینکه عقد بیمه حلال و یک عقد شرعی به‌ویژه از سوی شهید مطهری مطرح بوده است) و می‌رفت تا ناین سازمان تأمین اجتماعی را دچار مخاطره کند. به هر تقدیر در دوره اول انقلاب حفظ اساس بیمه و توجیه متولیان امر درخصوص نقش‌ها و کارکردهای بیمه‌های اجتماعی از اولویت اساسی سازمان بود.

در دوره جنگ دولت به‌لحاظ اینکه قصد داشت قیمت نان و برخی کالاهای اساسی را پایین نگه دارد و نیز به صنایع و صنوفی که در تدارکات تسلیحاتی و پشتیبانی جنگ مشارکت داشتند کمک کند، حدود ۱۳۴ صنعت و صنف از جمله نانوایی‌ها را مشمول کمک دولت دانست و حق بیمه سهم کارفرمایی این کارگاه‌ها را برعهده گرفت که هنوز آثار این امر وجود دارد و تعدادی از کارگاه‌های مزبور هنوز هم از این کمک بر‌خوردار می‌شوند و این ارقام به‌عنوان بدهی دولت به سازمان منظور شده می‌شود. استقراض پنج‌میلیارد تومانی دولت از سازمان تأمین اجتماعی برای مخارج جنگ نیز یکی از اقدامات دولت دوران جنگ بود که بعدها بخشی از آن از طریق تبصره ۸۲ و واگذاری املاک و سهام تادیه شد و بخشی نیز به حساب بدهی‌های دولت به سازمان منظور شده است. در آن مقطع به‌لحاظ عدم تصویب قانون الزام بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی در اختیار وزارت بهداشت بود و این وزارت‌خانه بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های خود را از طریق سهم دریافتی درمان سازمان تأمین اجتماعی پوشش می‌داد.

در دوره سازندگی به‌ویژه در دولت اول با توجه به حاکمیت دیدگاه تعدیل ساختاری اقتصاد و…، ازجحت توسعه بر سایر وجوه اجتماعی توجه واقعی و کلفی به تأمین اجتماعی نشده بود اما تادیه بدهی دولت از باب مخارج جنگ در قالب واگذاری املاک و سهام، تصویب قانون کار و قانون بیمه یکبارگی، تصویب قانون بیمه درمان همگنی و… از اقدامات مساعد دولت سازندگی بود و در داخل سازمان نیز نهادهایی گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف پژوهشی، حسابر سی، سرمایه‌گذاری و… انجام شد و رشته تحصیلی تأمین اجتماعی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی راهاندازی شد و آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی در جهت احقاق حقوق حق کارگران و سازمان تصویب شد.

تصویب قانون الزام و برگشت مدیریت بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی در این دوران اتفاق افتاد اما تحمیل ساخت ۱۰۰ بیمارستان به سازمان تأمین اجتماعی که منجر به ساخت برخی بیمارستان‌ها در مناطقی شد که تعداد بیمه‌شدگان زیاد نبود و سطح‌پندی خدمات درمانی رعایت نشده بود و ضریب اشغال این بیمارستان‌ها پایین و فاقد توجیه فنی – اقتصادی بود و نیز تصویب قانون بازنشستگی پیش از موعد و تصویب قانون تعدیل نیروی انسانی دولت که باعث افزایش مصارف و کاهش منابع سازمان تأمین اجتماعی شد را شاید بتوان از نقاط منفی این دوره نامید. به این ترتیب که دولت نیروهای اسنلی مازاد خود را تعدیل (بخازردی) می‌کرد و این افراد با سن و سابقه بالا و بدون پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه (براساس اصول و قواعد بیمه‌ای و محاسبات بیمه‌ای) سواقی خود را به سازمان تأمین اجتماعی منتقل و بلافاصله بازنشسته می‌شدند.

دولت سازندگی در دوره دوم خود به لزوم بسط و توسعه تأمین اجتماعی به‌عنوان زیر ساخت، ابزار و هدف توسعه واقع شد و تلاش‌هایی را در این زمینه آغاز کرد و سازمان تأمین اجتماعی از جایگاه رفیعی در مجلس و دولت و… برخوردار شد و از

«تأمین اجتماعی» در انتظار ناجی



طرفی بحث‌هایی که در خطبه‌ها و نمازجمعه از سوی رئیس‌جمهور وقت درخصوص مذمت فقر، محاسن رفاه و مقوله عدالت اجتماعی مطرح شد، منجر به تدوین لایحه فقر‌زدایی شد که در قالب آن مقرر بود سازمان تأمین اجتماعی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در صورت جدایی بخش آموزش پزشکی از وزارتخانه مزبور و الحاق آن به وزارت علوم) یا اینکه در وزارت تعاون ادغام شود.

دوره اول انقلاب و جنگ توجه به مقوله تأمین اجتماعی تحت‌الشعاع شرایط روز کشور قرار گرفته بود و در دوره سازندگی، ابتدا مقوله تأمین اجتماعی در محاق «توسعه اقتصادی» قرار داشت و زمانی به آن عطف توجه شد که دیگر دیر شده بود و در دوره اصلاحات نیز همانند دولت سازندگی، توسعه خدمات اجتماعی و تأمین اجتماعی در محاق «توسعه سیاسی» قرار گرفت و زمانی به این امر توجه و التفات نسبی صورت گرفت که دیگر خیلی دیر شده بود. به نحوی که نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۳ و در مجلس ششم تدوین ولی مصوبه نهایی آن را مجلس هفتم ابلاغ کرد و صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر در همان سال تأسیس و راهاندازی شد مشابه زمان بیمه خدمات درمانی که در اواخر عمر دولت سازندگی عملیاتی شد. آغاز پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، شروع طرح سامان سواقی بیمه‌شدگان، سطح‌پندی خدمات درمانی و فروش بیمارستان‌های مازاد بر نیاز و خارج از سطح‌پندی، توجه به مقوله فرهنگی و اجتماعی، پرداختن به مقوله اقتصادی و برنامه‌ریزی و در نظر داشتن موضوعات منطقه‌ای و امور استان‌ها و ایجاد معاونت‌های مربوطه، تجمع و تمرکز امور درمانی در ستاد سازمان و راهاندازی کارگزاری‌های رسمی سازمان و به‌ویژه اجرای طرح فراخوان و تربیت نیروهای مدیریتی و کارشناسی و بهبود ترکیب و توزیع نیروی انسانی سازمان و ارتقای سطح تحصیلی مدیران و کارشناسان از جمله اقدامات مثبت دوره اصلاحات در تأمین اجتماعی بود اما تصویب قوانین سخت و زیان‌آور، نوسازی صنایع، طرح ضربتی اشتغال، قانون نظام صنفی از جمله امور زیانباری بود که در آن دوره اتفاق افتاد و همین مسایل در دوره بعدی عمق و دامنه وسیع‌تری یافت و بعضاً دایمی شد.

یکی از اقداماتی که در دوره اصلاحات اتفاق افتاد و ابتدا «فرصت» تلقی می‌شد، ولی بعدها به «تهدید» و «چالش» بزرگی برای سازمان تأمین اجتماعی تبدیل شد. موضوع تصویب قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی بود که با توجه به عملکرد نامناسب اولین تیم مدیریتی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و اشتباه عمدی در اصلی-فرع غیرقانونی ماده ۱۷ قانون مزبور به اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی بود که به‌جای توجه به سایر صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی که برغم دولتی بودن، کاملاً آزاد و رها بودند و هستند و به‌ویژه عدم اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها (با منابع چندمیلیارد دلاری مربوط در صندوق ذخیره ارزی که مثل هلوی پوستت کننده به دولت آینده تقدیم شد) و… اتفاق افتاد و اثرات مخرب و نامساعد این بدعت‌گذاری، هنوز هم گریبانگیر سازمان است و یکی از اساسی‌ترین لطعات این تیم مدیریتی، شمول غیرقانونی ماده ۱۷ قانون مزبور به اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی بود که زمینه دست اندازی‌های وسیع دولت بعدی بر سازمان تأمین اجتماعی را فراهم کرد. سال ۱۳۸۳ و بعد از آن را باید بدترین و سیاه‌ترین دوران فعالیت سازمان تأمین اجتماعی دانست، برخی از اقدامات مخرب و اتفاقات نامساعدی که در این دوره برای سازمان تأمین اجتماعی حادث شد، عبارت‌ند از:

– دایمی شدن قوانین سخت و زیان‌آور و نوسازی صنایع و تصویب چند مرحله بازنشستگی زودرس (با ارفاق و بدون ارفاق) که لطعات زیادی به سازمان وارد کرد و

تعداد مستمری‌بگیران آن را طی این دوره به دو برابر افزایش داد و از طرفی ورودی‌ها و منابع آن را با کاهش عظیمی مواجه کرد.

– تصویب و اجرای قوانین نامساعد و حمایتی و مغایر با اصول و قواعد بیمه‌ای نظیر رفع موانع تولید و حمایت از تولید ملی، تحمیل برخی از صندوق‌های ورشکسته یا افشار دارای ریسک بالا به سازمان تأمین اجتماعی

– چهاربار اصلاح اساسنامه طی چهارسال که با رویکرد عدم سه جانبه‌گرایی، عدم استقلال مالی و اداری و لطمه به شخصیت حقوقی مستقل سازمان انجام شد. – هشت بار تغییر مدیرعامل طی هفت‌سال و بی‌ثباتی وسیع در مدیریت ها – استفاده از سازمان تأمین اجتماعی به عنوان محل (فروش سهام طلایی مخابرات) – انداختن سازمان به ورطه دعو‌ها و جنجال‌های سیاسی و احزاب و افراد – سفیدنگندداشتن پرچم سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک نهاد خدمات‌رسانی اجتماعی و آلودن آن به منازعات سیاسی

– تصویب قوانین نامساعد و مغایر با اصول و قواعد بیمه‌ای و تلاش برای جدا کردن بخش درمان یا جدا کردن بخش درمان غیرمستقیم با هدف دست اندازی به منابع آن – کسری شدید صندوق بیمه یکبارگی و تأمین منابع مورد نیاز آن از محل منابع سازمان تأمین اجتماعی، به‌جای تأمین آن از محل منابع حاصل از خصوصی‌سازی و هدفمندی یارانه‌ها

– محرومیت سازمان از منابع حاصل از خصوصی‌سازی و هدفمندی یارانه‌ها، به‌رغم الزامات قانونی و احکام مندرج در اصول و سیاست‌های کلی نظام – استخدام بی‌رویه چندین‌هزار نیروی دیپلمه و زیر دیپلم که در دوره هر یک از تغییرات مدیریتی سریع این سال‌ها انجام شده است.

– انحلال بخش‌های اندیشه‌ورز و فکری سازمان نظیر موسسه عالی پژوهش و کوچک کردن شکل و محتوایی ستاد سازمان که باید مغز متفکر و برنامه‌ریز و ناظر بخش‌های استانی و اجرایی سازمان باشد

– قرار گرفتن رقبای سازمان در ارکان سازمان یا به‌کار گماشتن افرادی که فاقد آشنایی و عرف و حمیت سازمانی بودند. – انفعال مفرط سازمان در مجلس و دولت به نحوی که در قانون برنامه بحث ایجاد صندوق‌های خصوصی بیمه‌های اجتماعی با ۱۰ سال تضمین و نیز خصوصی‌سازی بخش سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی تصویب شد که با اصول اولیه کارشناسی مغایرت دارد (لاان یک شرکت خدمات تلفاتی اگر در اساسنامه‌اش قید کند که برای ۱۰ سال فعالیت خواهد داشت در ثبت شرکت‌ها پذیرش نمی‌شود پس چگونه می‌شود یک صندوق بیمه‌گر اجتماعی را با تضمین و راهاندازی کرد).

و…

نکته پایانی اینکه بررسی و تجزیه و تحلیل هر یک از دوره‌های فعالیت سازمان تأمین اجتماعی بضاعته، فرصت و مجال بیشتری می‌طلبد ولی آنچه که اکنون از همه نظر حایز توجه است اینکه سازمان تأمین اجتماعی به‌لحاظ گردش نقدینگی جاری و همچنین به‌دلیل تعهدات چندصدهزارمیلیارد تومانی که به‌مستمری‌بگیران و بیمه‌شدگان نسل فعلی و آتی دارد، در وضعیت خاص قرار دارد و این وضعیت نامساعد طی چندماه آتی تا انتخابات ریاست‌جمهوری عمق و دامنه بیشتری خواهد یافت و لازم است تا یک طرح ملی صیانت و نجات سازمان تأمین اجتماعی تدوین و یک قوه فرابخشی و فرافوهی به‌عنوان دیدبان رصدخانه این سازمان متشاع بین‌النسلی و این امات مردم و حق‌الناس وارد عمل شود و به داد این سازمان برسد.

جامعه

گزارش

همه چیز درباره مستمری

بازنشستگان تأمین اجتماعی

حداکثر ۲میلیون و ۶۰۰ حداقل ۳۹۰هزار تومان

فاطمه جمال‌پور: سازمان تأمین اجتماعی یکمیلیون و ۷۳۰هزار بازنشسته مستمری‌بگیر دارد. مستمری‌گیرانی که برای سالیان سال به این سازمان حق بیمه پرداخت کرده‌اند و حالا مستمری این سازمان چرخ زندگی‌شان را در سنین پیری می‌چرخانند. در این میان چرخ زندگی اغلب آنها به سختی و برخی دیگر به راحتی می‌چرخد گروه اول را حداقل‌بگیر و دومی‌ها را حداکثربگیر می‌نامند. بیش از دومیلیون تومان تفاوت حقوق بازنشستگان حداکثربگیر و حداقل‌بگیر تأمین اجتماعی است. حداکثربگیران در تأمین اجتماعی

هفت برابر مستمری حداقل‌بگیران را دریافت می‌کنند. این افراد در سال گذشته مستمری‌ای برابر با دومیلیون و ۵۰۰ تا ۶۰۰هزار تومان را دریافت می‌کردند. میانگین مستمری پرداختی برای تمام افراد اعم از حداقل‌بگیر، حداکثربگیر و دیگران در تأمین اجتماعی در سال گذشته حدود ۷۰۰هزار تومان بود. این مقدار مستمری پرداختی به میانگین حقوق دو سال پایانی اشتغال افراد و تعداد سال‌های بیمه‌پردازی حداقل‌بستگی دارد. در این میان بیش از نیمی از مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، مستمری حداقلی را دریافت می‌کنند. حداقل‌بگیرها در تأمین اجتماعی افرادی هستند که به‌دلیل کمبود سابقه بیمه‌پردازی و پایین بودن نرخ حق بیمه پرداختی، حداقل مستمری را دریافت می‌کنند که این رقم برای آنها با انضمام شرایط جانبی در سال گذشته به ۳۹۰هزار تومان می‌رسید و دولت وعده کرده این رقم را در سال جاری به ۷۰۰هزار تومان افزایش دهد. ماهانه ۱۲هزارمیلیاردریال مستمری به جامعه تحت پوشش تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود که در این میان ۹۲۰۰میلیاردریال مستمری، ۳۰۰میلیاردریال مزایای جانبی از جمله علائمنندی، اولاد، سید خاور و بازنشستگان به ۷۰۰هزارهزار تومان در سال جاری محقق شده و عدای که بیش از این آتش، مدیرکل مستمری این سازمان درباره تحقق آن گفته بود: «اگر توان مالی این سازمان پاسخگو باشد، سقف این مستمری‌ها افزایش می‌یابد که امر این‌زمانند محاسبات دقیق بیمه‌ای و احتساب بار مالی این امر است.» موضوعی که به نظر می‌رسد در سال جاری با اختصاص اعتبار در بودجه دولت عملی می‌شود اما ادامه اجرای آن و تمدید این اختصاص اعتبار در سال‌های آتی در هاله‌ای از ابهام است.

ادامه از صفحه ۷

بدهی ۴۵۰هزارمیلیاردریالی دولت به تأمین اجتماعی

یکی دیگر از سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت در دو سال گذشته که خسارت زیادی را متوجه منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی کرده است بحث هدفمند کردن یارانه‌هاست از جهت مصارف هدفمندکردن یارانه به علت اینکه این صندوق بعد از دولت دومین تولیدکننده درمان در کشور می‌باشد به شدت هزینه‌های درمانی این صندوق را بالا برده که این مساله در درمان مستقیم تا حدودی موجب کاهش کیفیت خدمات و سختگیری‌های بیش از اندازه و در درمان غیرمستقیم علاوه بر تحمیل بالغ بر ۶۰ تا ۷۵درصد هزینه‌های درمانی بر روی دوش بیمه‌شدگان موجب تاخیر در پرداخت صورتحساب بیمارستان‌ها و سایر بخش‌های درمانی طرف قرارداد شده است که دستکاری نرخ ارز از سوی دولت نیز موجب بالارفتن هزینه‌ها و تجهیزات درمانی و تعطیلی گسترده صنایع و کارخانجات و نهایتاً سیل عظیم افراد بیکار شده برای دریافت بیمه‌کاری به شعب تأمین اجتماعی می‌باشد که برآورد می‌شود تا پایان سال، این حجم بیکاری از مرز ۲۵۰ هزار نفر فراتر رود.

۲- دخالت در تصمیمات غیرقانونی

بی‌ثباتی در مدیریت

تجربیات جهانی نشان‌دهنده این حقیقت است که ثبات در مدیریت یکی از اصول کلی در اداره کارآمد نظامات اداری و صنعتی و از جمله صندوق‌های تأمین اجتماعی است. از سوی دیگر سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی هیچ‌گونه الگوی واحد و مشخصی را برای اداره صندوق‌های تأمین اجتماعی و سایر نظامات بیمه‌ای که کشورهای عضو دیکته نمی‌کنند اما آنچه بر روی آن اتفاق نظر دارند و در قالب مفاهلاتنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی بر روی آن تأکید شده اشاره به این معنی است که دولت‌ها ضمن پذیرش مسوولیت کلی اداره طرح‌های تأمین اجتماعی به عنوان پایدارترین نهاد رسمی کشور باید کمترین دخالت را در اداره این نهاده‌ا و صندوق‌های بیمه‌ای داشته باشند، براساس چنین رویکردی قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی طوری طراحی شد که یک حکمرانی خوب در دفاع از حاکمیت بشریت در تمام ارکان صندوق‌های بیمه‌ای حاکم شد و دولت کمترین دخالت در اداره اینگونه صندوق‌ها داشته باشد. متأسفانه در هشت سال گذشته دولت آگاهانه یا براساس برداشت‌های غلط از قانون و مصوبات غیرقانونی در اصلاح اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی شیوهای را اتخاذ کرد که دخالت معنی‌دار و با انگیزه شرکای اجتماعی را در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صندوق تأمین اجتماعی از خاصیت بیندازد و این دخالت به‌طور غیرقانونی تا جایی رسوخ پیدا کرد که انتخاب مدیرعامل این صندوق را برخلاف تمام قوانین و مقررات حاکم منوط به نظر رئیس‌جمهوری دانست. همچنین افرادی برای هیات‌مدیره و مدیرعامل انتخاب شدند که صلاحیت تخصصی لازم را مطابق ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ندارند یا همه این اوصاف و با وجود به دست آوردن این همه اختیار از سوی دولت به علت نداشتن شناخت کامل از جایگاه این صندوق و همچنین احتمالاً اولویت دادن رویکردهای سیاسی در گزینش افراد طی هشت سال گذشته، هفت‌بار مدیرعامل این صندوق بر کنار شده است و انتصاب آخرین مدیرعامل نیز در آخرین روزهای سال با اما و اگرهای فراوانی از سوی نهادهای نظارتی و قانونی مواجه شده است به‌طوری که سازمان بازرسی کل کشور طی نامه رسمی، ادامه این روند را غیرقانونی دانسته است. کمترین پیامد این تزلزل مدیریتی در این صندوق بزرگ بیمه‌ای از دست رفتن فرصت برنامه‌ریزی در حتی در کوتاهمدت می‌باشد، اجرای غیرمستقیم حکایات آن دارد که در سال‌های اخیر این صندوق با کسری بودجه قابل توجه روبه‌رو شده است که بی‌ثباتی در مدیریت سهمش از سایر عوامل بارزنده و به وجودآورنده چنین وضعیتی کمتر نمی‌باشد.

شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی و مدیریت آن نیز از این حوادث ششم ساله آلوده نبوده است به‌طوری که در دوره فعالیت دولت هفتم و نهم تاکنون این شرکت سرمایه‌گذاری شش مدیرعامل و سرپرست را به خود دیده است و گفته می‌شود ظرف روزهای باقیمانده سال ۹۱ هفتمین مدیرعامل این شرکت عظیم سرمایه‌گذاری منصوب می‌شود. در این راستا یک خطای بزرگ استراتژیک دیگری هم صورت گرفته و جمعی از اعضای هیات‌مدیره و مدیرعامل صندوق تأمین اجتماعی که در واقع صاحبان مجمع می‌باشند، خود، به عضویت هیات‌مدیره این شرکت سرمایه‌گذاری درآمده‌اند که واقع امر نظارت را مخدوش و از نظر حقوق اداری این نحوه شرکت‌داری را یک تضاد منافع ذینفعان روبه‌رو می‌سازد.

عدم انجام تعهدات مالی نیز یکی دیگر از دلایل مخاطره‌آمیز شدن وضعیت مالی صندوق تأمین اجتماعی در کنسار دخالت‌های بی‌حد و حصر و فراتر از چارچوب‌های قانونی دولت‌ها به‌خصوص در چند ساله اخیر بی‌توجهی به وظایف و مسوولیت قانونی خود در قبال این صندوق است. مجموع انباشت بدهی‌های دولت‌های گذشته تا دولت اول آقای احمدی‌نژاد به صندوق تأمین اجتماعی بالغ بر ۶۰هزارمیلیاردریال برآورد می‌شد انتظار می‌رفت آقای احمدی‌نژاد که شعار عدالت و مهرورزی را در سوره‌ها برنامه‌های خود قرار داده است و طبیعتاً بر اساس چنین رویکرد و شعارهایی توجه به مقوله تأمین اجتماعی می‌تواند معطوف به هدف و آرمان‌های موردنظر وی باشد بیش از سایر دولت‌ها به صندوق‌های مختلف بیمه‌ای از جمله به صندوق تأمین اجتماعی توجه داشته باشد البته در چارچوب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و همچنین قوانین چهارم و پنجم توسعه، دولت نیز مکلف شده است ضمن پرداخت بدهی‌های معوقه به صندوق‌های بیمه‌ای ترتیبی اتخاذ کند که بدهی جدید شکل نگیرد اما آنچه که در عمل اتفاق افتاده است برخلاف انتظار که در شعارهای آقای احمدی‌نژاد و چه در اوج درآمدهای افسانه‌ای نفتی این تکلیف قانونی و رد دین موردتوجه دولتمردان قرار نگرفت و پیش‌بینی می‌شود مجموعه بدهی دولت آقای احمدی‌نژاد تا پایان دوره ریاست‌جمهوری از مرز ۴۵۰هزارمیلیاردریال فراتر رود و این در حالی است که پس از انتصاب سعید مرتضوی به عنوان مدیرعامل صندوق تأمین اجتماعی، دولت به تاریخ آخرین روزهای سال گذشته مصوبه‌ای را ابلاغ کرد که مقرر شده بود تا پایان سال ۱۳۹۱ بالغ بر ۲۵۰هزارمیلیاردریال از اموال و دارایی‌های دولت به این صندوق واگذار شود که در خوشبینانه‌ترین حالت، بعید به نظر می‌رسد که بیش از ۱۰هزارمیلیاردتومان از اموال و دارایی دولت به این صندوق واگذار شود که حتی در صورت واگذاری، این شرکت‌کها چندر پاسخگوی نیازهای مالی این صندوق می‌باشد محل تردید است.

بنابر آنچه که بیان شد انتظار می‌رود نظام تصمیم‌گیری کشور در سال آینده برای پایداری و تداوم خدمت در بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور تمام همت خود را بر کار بندد و با فصل الخطاب قرار دادن قانون و دور کردن رویکردی سیاسی از مدیریت این صندوق به وظایف و تعهدات قانونی خود عمل کرده تا همچنان بتواند این نهاد بیمه‌ای به عنوان یار دولت به وظایف و مسوولیت‌های قانونی خود در مقابل شریف‌ترین، مولدترین و ضعیف‌ترین اقشار جامعه ادامه خدمت کند.